



اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش

بازگرداندن اختیار

به انسان است.

منصور حکمت

ناسیونالیسم کرد بار دیگر در "بازی" خونین آمریکا

ببار آوردن مصائب برای مردم کردستان بس است!

از جنگ خلیج تاکنون، یک دو جین سال است که احزاب ناسیونالیست کرد تماما خود را به سیاست آمریکا آویزان کرده اند. این ۱۲ سال چه بوده است؟ این سوال در این روزها که آمریکا در تدارک جنگ دیگری در همان



فاتح شیخ الاسلامی

صفحه ۲

مردم انتخاب میکنند!

البته به یمن نفوذ پر قدرت چپ و کمونیسم همواره در حاشیه و از موضع ضعف، تلاش کرده است ازلی و محتوم بودن راه حل سرمایه‌دارانه اداره جامعه، نگرش قومی، عشیرتی و مردسالار را به نگرش و شیوه زندگی مردم تبدیل کند، آن را تبلیغ و پراستیک کرده، ارتجاع مذهبی را باد زده و سنی‌گری را در مقابل شیعی‌گری رژیم اسلامی حمایت کرده است. و برای رسیدن



مظفر محمدی

به این هدف، بندو بست و سازشهای آشکار و نهانی کرده و زمانی هم به روی مردم و مدافعان آزادی بی قید و شرط سیاسی اسلحه کشیده است.

این نگرش، سنت و مدافعان خود را در میان عقب مانده ترین اقشار جامعه نیز دارد که با پشت بستن به ارتجاع جمهوری اسلامی و نیز "برکات" به قدرت رسیدن احزاب عشیره ای ناسیونالیست در سلیمانیه و اربیل به مثابه سدی در مقابل رادیکالیسم کارگران، برابری طلبی زنان و مدرنیسم و آزادیخواهی جوانان علیه رژیم اسلامی عمل میکنند. زنان علاوه بر اینکه با

فستیوال دهها هزار نفری آدم برفی به نشانه دفاع از حقوق کودک در سنندج، نشانه دیگری است از اینکه مردم کردستان میخواهند شیوه زندگی خود و فرزندانشان را تعیین کنند و با دستهای خود این زندگی را بسازند. سالها است در بطن مبارزه برای سرنگونی رژیم، بطور کلی در کردستان و بویژه شهر سنندج، شهر آزادی و ترقیخواهی، دو سنت، دو نوع الگو، دو نگرش به زندگی و خوشبختی و اداره جامعه در جدال با هم و در کنار هم قرار گرفته اند.

از طرفی ارتجاع و ناسیونالیسم

دندان اتمی پر زیدنت خاتمی

ایرج فرزاد

جناب خاتمی امسال در سالروز به قدرت خیزدن رژیم اسلامی، در تهران با دندان اتمی سخن گفت.

یکی دو روز قبل از سخنرانی مقام اول مردمسالاری اسلامی، ایشان در جریان یک دیدار گفته بود که رژیم اسلامی "با شایستگی فرزندان ایران، به تکنولوژی اتمی" دست یافته است. دندان اتمی رئیس جمهور طرفدار پروپاقرص "زهبر کبیر انقلاب اسلامی"، او را در موقعیت سختگیرانهتری در مقابل خیل هواداران خود در طیف اپوزیسیون طرفدار رژیم قرار داده بود. خاتمی به: " واپس مانده های رژیم گذشته و رانده شدگان از کشور" و البته آمریکا اخطار کرد که مبدا در صدد تقابل با جمهوری اسلامی برآیند! تکیه بیش از اندازه خاتمی بر "نفی خشونت" و اینکه "امام بزرگوار امت" هم "هرگز اجازه استفاده از اسلحه و ورود به مبارزه مسلحانه را علیه رژیم گذشته ندادند"، خبر از این داشت که ایشان قصد دارد در عین پنهان کردن یک نیت شوم جمهوری اسلامی هم زمان به زبان آخوندی هم به این ترتیب مردم ایران و جهان را بترسانند که جمهوری اسلامی، این یادگار فقط جنایت امام راحل، به این سادگیها دست از سر مردم ایران و منطقه و مردم جهان برنخواهد داشت و در دفاع از خود و برای حفظ خود، استفاده از سلاح اتمی را منتفی نمیداند. این یک تهدید آشکار است، نقطه پایانی است بر ائتلافهای اعلام نشده دوحرداد و خاتمی با جمع حواریونی از نوع شعبات و عناصر فهرکرده وزارت اطلاعات و دگراندیشانی که هیچگاه و

صفحه ۲

نامه مینا احدی به: کمیسیون حقوق بشر

پارلمان آلمان

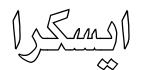
در رابطه با

بیماری مشکوک

۷۴ دختر روستای

"بیژوی" سردشت

صفحه ۴



سر دبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با

۷۴۹۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای پنجشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

مضحکه "انتخابات"

شوراهای اسلامی

صفحه ۳

به مناسبت

نزدیک شدن

روز جهانی زن

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دندان اتمی پرزیدنت خاتمی

تاکنون نیز امیدشان را به "اصلاح" رژیم اسلامی از دست نداده‌اند. پاسخی بود به نازکشیدنیهای اروپای واحد و پروسه "دیالوگ انتقادی" با رژیم اسلامی. کار بجائی رسیده است که حتی خاتمی، جبون ترین و بی مایه ترین عنصر در راس اصلاحات اسلامی، با تحقیر و تبختر و البته به اتکا دسترسی جمهوری اسلامی به "منابع اورانیوم و تکنولوژی اتمی"، بیش از این نیازی به حمایتی غرولند آمیز طیف پراکنده تر و جبون تر طرفداران دوخرداد در بیرون حکومت را نمی بیند و منتظر چرتکه انداختنهای نخست وزیر انگلیس و صدر اعظم آلمان نمی‌ماند. اگر به قدرت خزیدن جمهوری اسلامی و قرار گرفتن عقب مانده ترین عنصر مرتجع، ضد کمونیست، ضد چپ و ضد زن و کودک و شادی انسان، یعنی موجودی چون خمینی، در راس مبارزه علیه رژیم شاه محصول جنگ سرد و حاصل توافقات کنفرانس گوادلوپ بود، نظم نوین بوش پلر و پسر و تهدید حکومت آمریکا برای بکار گرفتن سلاح اتمی علیه عراق، فرجه و فرصتی را به حاکمان

اسلامی میدهد تا تحت عنوان دفاع از "استقلال" خود در برابر تهدیدات "برفردت جهانخوار" و "خطر" بالفعل مردم و کمونیسم کارگری به مراتب ابرقدرت تر در صحنه تقابل با جمهوری اسلامی، کابوس به مراتب وحشتناکتری از دوران عروج اسلام سیاسی را نه تنها برفراز مردم ایران، بلکه بالای سر مردم منطقه و حتی بشریت آویزان کند. قالب کردن جمهوری اسلامی بعنوان اهداف و مطالبات آزادیخواهانه مردمی که علیه رژیم شاه قربانی دادند، بپا خاستند و قیام کردند، یک فاجعه برای جامعه ایران و مردم منطقه بود. قرار است دیوانگی بازیهای بوش و تهدیدات یک جنگ به مراتب ویرانگرتر از جنگ خلیج در سال ۹۱ علیه مردم عراق، دوران سرازیری و فروپاشی و سقوط رژیم اسلامی را با مصائب و مشقات خونبار و فاجعه آمیزتر با کار بردن بمب اتم، توسط مشتئی جنایتکار اسلامی را پیشروی مردم ایران بگیرند. آن یکی ارمغان کنفرانس گوادلوپ

و دمکراسی خواهی کارتر برنده فعلی جایزه صلح نوبل و به قدرت رساندن اسلام سیاسی و مرتجعین مذهبی بجای دیکتاتوری ساواک دستکرد خودشان بود و این یکی مژده سیا و پنتاگون با توجیه مبارزه با سلاح کشتار جمعی و برای دوران فدرالیسم بعد از بزیر کشیدن دیکتاتوری صدام است. جمهوری اسلامی، جریانات مرتجع "مجاهدین" اسلامی افغانستان و مکاتب قرآن ضد کمونیست وضد اتحادیه های کارگری و عاملین ترور و قتل فعالین کارگری و روشنفکران سکولار و چپ در ترکیه تحت حکومت نظامیان در همان دوران سالهای دهه ۵۰ خورشیدی، حاصل سرمایه گزاریها و پول خرج کردهای دست و دل بازانه سیا و پنتاگون برای بافتن لاینهائی از کمربند سبز و البته کثیف و چرکین اسلام سیاسی در دوران جنگ سرد بودند. اکنون که بعد از نزدیک به یک ربع قرن بشریت متمن ماهیت این بند و بستها و توطئه ها و بازیهای ضدکمونیستی دوران

جنگ سرد را تا حد زیادی شناخته است، و مردم منطقه از جمله و در راس آن مردم ایران با حضور نیرومند جریان پرنفوذ کمونیسم کارگری میروند تا دورنمای یک زندگی بدور از هر نوع تروریسم را در مقابل مردم قرار دهند و راه مدنیت و آزادی و سوسیالیسم را در پیش گیرند، در معادله دیگری و تحت عنوان مبارزه با رژیم دیکتاتوری صدام، بحث از بکار گرفتن اسلحه اتمی را در دستور خود گذاشته اند. سیا، پنتاگون و راست ترین و بی مسئولیت ترین دواثر و شخصیتهایی از نوع دلبلیبوش در صفوف بورژوازی آمریکا این بار در مرحله مرگ و سقوط اسلام سیاسی، چون عامل مهمی برای مخدوش کردن صف بندیها قصد کرده اند بار دیگر وارد معادلات سیاسی منطقه شوند و فاجعه و سناریوهای سیاه دیگری را ایجاد و به مردم منطقه تحمیل کنند. باید همراه با همه مردم جهان متمن، علیه تهدیدات جنگی بوش و بلر ایستاد. به هر اندازه مردم منطقه در تعیین تکلیف خود با

رژیمهای مستبد و جنایتکار آزاد گذاشته شوند و به همان اندازه دست معماران نظم نوین از دخالت در سرنوشت سیاسی مردم کوتاه شود، مردم ایران و عراق و کل منطقه و بشریت متمن با کم مشقت ترین وسیله، مسیر خود برای دست یابی به آزادی و رفاه و صلح و امنیت را طی خواهند کرد. اینکه جناب خاتمی اکنون دیگر بدون اینکه نیازی به مشاورین خود داشته باشد، راسا و مستقیما از موضع حسین شریعتمداری سخن میگوید و تهدید به استفاده از سلام اتمی را بالای سر مردم میگیرد، نشان میدهد که رسالت اسلام سیاسی و حفظ و بقای آن در قدرت، دیگر فقط با انقراض و سقوط مدنیت و له کردن حقوق شهروندی معنی میدهد. رژیم جنایتکاران اسلامی را باید برانداخت، هر روز و هر ساعت تداوم عمر رژیم جانیان اسلامی، میتواند همراه با تهدیدات و کابوسهای به مراتب خطرناک تری برای بشریت باشد. ۱۳ فوریه ۲۰۰۳ ***

ناسیونالیسم کرد بار دیگر در "بازی" خونین آمریکا

منطقه است خیلی جاها در اذهان مردم و در میدیا طرح میشود و جواب آن هم ساده و روشن است: این احزاب، کردستان عراق را که در پی جنگ خلیج از سلطه استبداد و ستمگری و توحش فاشیستی رژیم بعث خارج شده بود، بطور پایدار به منطقه نفوذ آمریکا و ترکیه بدل کردند، در جریان جنگ و کشمکش قدرت میان خود، همچنین پای جمهوری اسلامی، ارگانهای نظامی و اطلاعاتی و دارودسته های اسلامی را به آن باز کردند و به این ترتیب از نظر سیاسی آن را به یک موقعیت مبهم و معلق و شبه اردوگاهی و به جولانگاه دولتها، نیروها و جریانات دارای منافع ارتجاعی مختلف راندند. حاصل این موقعیت سیاسی هرکی به هرکی، برای مشتئی سران و کاربدستان این احزاب، تحمیل حاکمیت عشیره ای ارتجاعی خود و جنگ و دعوی خود بر مردم، غارت و چپاول و استثمار عریان و بیحد و مرز توده کارگر و زحمتکش، و در نتیجه همه اینها تصاحب ثروت و کاخ و تالار و خوشگذرانی و آلف و الوفی بوده است که هرگز در هیچ رویایی بخواب نمی دیده اند. برای میلیونها

مردم کردستان در عوض، حاصل این دوره و موقعیت نامشخص جامعه، چیزی جز سیهروزی، خانه خرابی، گرسنگی و آوارگی در خانه خود نبوده است! حاکم بودن منطق و قانون مبارزه طبقاتی بر جنبش ملی از این آشکارتر؟ اثبات بورژوازی بودن و عشیره ای بودن جنبش کردایهتی و حاکمیت آن، از این روشن تر؟ از این عملی تر؟ از این اجتماعی تر؟ هر چه هست، این خلاصه محتوای عملکرد جنبش ملی کرد در تجربه ۱۲ سال گذشته است. جنبش ملی کرد در این دوره ماهیت طبقاتی و سیاسی اش را عریان به نمایش گذاشت. در این دوره به منتهای آمال و اهداف خود رسید تا نشان دهد که آمال و اهداف آن ربطی به مردم کردستان ندارد. به قدرت و حاکمیت رسید تا نشان دهد که قدرت و حاکمیتش با حاکمیت و حقوق مردم کردستان متضاد و حتی با حل مساله ملی کرد بیگانه است. در یک کلام جنبش

خونین آمریکا

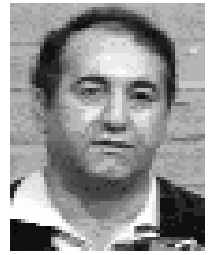
ملی کرد به اوج خود عروج کرد تا اسباب افول و انقراض خود را فراهم سازد. این اما تاکنون به قیمت مصائب فراوانی برای مردم کردستان تمام شده است. بحث بر سر روشنگری و افشاگری نیست. بر سر اینست که در آستانه جنگ خونین دیگری احزاب ناسیونالیست کرد مجددا به سیاست جنگی آمریکا، به قلداری نظامی آمریکا برای تحمیل ابرقدرتی اش بر جهان آویزان شده اند. جنگ آمریکا بر سر سلاحهای کشتار جمعی نیست، بر سر برچیدن دیکتاتوری صدام و آزاد کردن مردم عراق نیست، بر سر احقاق حقوق مردم ستمدیده کردستان نیست، این جنگ برای تحمیل ابرقدرتی آمریکا بر جهان، برای تبدیل قلداری نظامی آمریکا به نرم روابط بین المللی در هر جای جهان و در وهله اول در خود منطقه خاورمیانه برپا میشود. فجایع انسانی بزرگی که بر مردم عراق و منطقه تحمیل میشود برای بوش و کابینه اش

ذره ای مطرح نیست. فهم این واقعیت که این سیاست آمریکا در منطقه بلافاصله به تقویت قلداری نظامی اسرائیل و ترکیه دو متحد نظامی آمریکا ترجمه میشود، آسان است. احزاب ناسیونالیست کرد به روشنی میدانند که در صورت وقوع جنگ و رفتن صدام، علاوه بر حکومت نظامی مستقیم آمریکا، با سناریوی لشکرکشی ترکیه به کرکوک و موصل و غیره مواجه خواهند شد. با این حال نه میخواهند و نه میتوانند از موقعیت قره نوکری آمریکا یک میلیمتر فاصله بگیرند و خود را از سیاست جنگ و قلداری آن که منطقه را به آتش خواهد کشید و مردم عراق، مردم کردستان عراق و فراتر از آن مردم کل منطقه را در معرض سلاحهای کشتار جمعی خواهد گذاشت کنار بکشند. راهی که احزاب ناسیونالیست کرد از جنگ خلیج به این سو در پیش گرفته اند و در دوره اخیر هم مجددا مهر تایید بر آن زده اند آنها را به موقعیت دستیاری جنایات جنگی آمریکا و کدخدایی ترکیه رانده است و بیشتر خواهد راند. این باز هم

به معنی تکرار فاجعه برای مردم کردستان خواهد بود.

احزاب ناسیونالیست کردستان به مثابه نمایندگان سیاسی طبقات استشارگر و انگل و فاسد جامعه کردستان در پی منافع کثیف و حقیر خود، در این دوره مصائب باز هم بیشتری بر مردم کردستان تحمیل کنند. مردم ستمدیده و مبارز و آزادخواه کردستان و در پیشاپیش آنها جنبش کمونیسم کارگری باید این دوره را به دوره منزوی کردن و به انقراض کشاندن احزاب ناسیونالیست و افق و سیاست ضد مردمی آنها بدل کنند. ببار آوردن مصائب بیشتر برای مردم کردستان بس است! این احزاب، تاوان سیاست های ارتجاعی، غارت و چپاول و ثروت اندوزی به قیمت بدبختی و سیه روزی مردم را باید پس بدهند. این احزاب باید بعنوان جریانات بورژوازی - عشیره ای ارتجاعی، بعنوان قره نوکریهای آمریکا و ترکیه و جمهوری اسلامی طرد و منزوی شوند. دورانشان به سر رسیده است.

مضحکه "انتخابات" شوراها را رسوا کنیم!



صالح سرداری
Sardari@web.de

قرار است در اوایل اسفند ماه، رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر مضحکه انتخابات شورای اسلامی را براه اندازد، مضحکه ای که حتی خودشان از آن نامیدند. اینها در طول ۲۴ سال گذشته مرتب این را جار زده اند، که رژیم اسلامی شان را با تکیه به "رای مردم" توانسته اند نگه دارند. همان مردمی را که به سلاخی کشیدند، در سیاهچال هایشان انداختند و فرزندانشان را در ملا عام اعدام می کنند. در یک کلام تا زمانیکه حربه سرکوب کارایی داشت تنها آن را بکار گرفتند تا خود را حفظ کنند. اما این جانیان اسلامی از ۴ سال قبل وقتی متوجه شدند دیگر ابزار سرکوب به تنهایی برای کارایی سابق را برایشان ندارد، به ابزار تحمیق روی آوردند. یکی از این ابزارها که روی

دست شان مانده بود، راه انداختن بساط شوراها را بعد از به قدرت رسیدن جریان دوم خرداد بود. رژیم با تهیه لیست های عوامل و سرسپردگان خود در همه شهرهای ایران و گذاشتن دهها مانع، به این مضحکه انتخاباتی رسمیت داد. از آن تاریخ ۴ سال می گذرد. اگر در اینمدت خاتمی و مجلس ششم اصلاحات اسلامی اش که مدافعین پرو پاقرص و مبتکران این خیمه شب بازی بودند که خیلی هم به آن افتخار می کردند، توانسته اند در مقام های خود کاری انجام دهند شاید کسی برای شوراها را اسلامی آنها، تره خرد می کرد. به سرنوشت و کارکرد این شوراها را اسلامی و از جمله مهمترین آنها شورای اسلامی شهر تهران نگاه کنید. خودشان برای منحل کردن آن قبل از اینکه یک دوره از عمرش بگذرد چه کشمکش های جناحی را از سر گذراندند، و دوم خردادی های همیشه بازنده، برای این گل سر سید شوراها را اسلامی عزادار شدند. دیگر نه خاتمی دل و دماغ آن را دارد، اندر فواید شوراهاش برای متحقق کردن "مردم سالاری" نطق ایراد فرمایند و نه دیگر سرداران

شکست خورده دوم خرداد حوصله دارند از این ارگانهای تحمیق به دفاع برخیزند. رژیم در اولین دوره انجام این مضحکه، هیاهو و جار و جنجال زیادی را از دستگاههای تبلیغاتی رژیم مانند حوزه و مسجد و منبر براه انداخت. "روشنفکران" و "نویسندگان" زیادی برای انجام این مضحکه زیر عمامه آخوند ادکلن زده به خط شدند. جریانات اپوزیسیون پرو رژیم در خارج کشور قند در دهانشان آب شد. آنها این "مردم سالاری" شورایی و اسلامی سید محمد خاتمی را در بوق و کرنا کردند، تا مردم را به شرکت در این "انتخابات تشویق نمایند. در کردستان نیز دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان با صادر کردن اطلاعیه از مردم کردستان خواست که در این "انتخابات" شرکت کنند. اما با تمام این اقدامات رژیم و طرفدارانش، مردم زیادی در آن شرکت نکردند. در اولین دوره این "انتخابات" حزب کمونیست کارگری و تعدادی دیگر از احزاب و جریانات سیاسی به افشای این ترفند رژیم پرداخته و از مردم خواستند در این خیمه شب بازی های رژیم شرکت نکنند، که مورد فحاشی های اسلامی مایانه خط توده ای - اکثریتی و شرکا قرار گرفتند. بخاطر مبارزه ما علیه

هر دو جناح رژیم و از جمله جناح دوم خرداد قبله گاه اپوزیسیون پرو رژیم نیروهای سرنگونی طلب و مردم بجان آمده را خشونت طلب، و رژیم جمهوری اسلامی را اصلاح طلب قلمداد کردند. اما اکنون برای مردم روشن شده است که چقدر آنها ریاکار و ضد مردمی عمل کرده اند.

رژیم جمهوری اسلامی و مخصوص دوم خردادی های مستاصل هر چند می دانند که این ارگان های تحمیق نمی تواند برایشان کاری انجام دهد، اما در عین حال میدانند که این "شوراها" وبال گردن شان شده اند. اگر این مضحکه را راه نیندازند، بیشتر رسوا می شوند. به همین خاطر علیرغم اینکه می دانند شوراها را اسلامی دردی از هزاران درد بی درمان جمهوری اسلامی را مداوا نمی کند و مردم نیز به نسبت دوره گذشته با درصد بسیار کم تری در آنها شرکت می کنند، اما مجبور به برگزاری آن شده اند.

مردم آزاده و مبارز ایران اکنون می دانند که این شوراها را اسلامی نه تنها هیچ ربطی به منافع آنها ندارد، بلکه درست برعکس ارگانی برای جاسوسی و اخذی از مردم می باشد. اعضای این شوراها را اسلامی از سرسپردگان رژیم و جیره

خوران آن می باشند. در ۴ سال گذشته ارگانی دیگر به دستگاه سرکوب و جاسوسی رژیم اضافه شده است. اینها از پول وامکانات مردم امرار معاش می کنند. عاملی برای اخذی رژیم و عوامل آن از مردم شده اند.

در مضحکه ای که قرار است در اوایل اسفند یعنی ۱۰ روز دیگر برگزار شود، کارگران و زحمتکشان و همه مردم مبارز، باید به این شوراها را اسلامی همانطوریکه هستند برخورد کنند. ریاکاری و دروغ رژیم را که گویا اینها نمایندگان مردم هستند که انتخاب می شوند، را افشا و رسوا نمایند. باید با صدای بلند و رسا گفت که در جمهوری اسلامی هیچ نوع انتخابات آزادی وجود نداشته و نخواهد داشت. در نظام جمهوری اسلامی شادی، و تفریح و حق آزاد زندگی کردن ممنوع بوده است چه رسد به حق رای و اعمال اراده انسانها بر سرنوشت خویش.

تنها راه خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی سرنگون کردن آن می باشد باید با تمام توان در این جهت تلاش کرد. باید همه نقشه و برنامه های ریاکارانه رژیم از جمله خیمه شب بازی شوراها را اسلامی را طرد و رسوا کرد.

۲۴ بهمن ماه ۱۳۸۱

۱۲ فوریه ۲۰۰۳

مردم انتخاب میکنند!

(از صفحه اول)

کسانی چون ادب و جلالی زاده نقش محمل را برای دوطرف بازی میکنند.

از طرف دیگر و در جریان جدالهای اجتماعی دو دهه اخیر تاریخ مردم کردستان و مشخصا شهر سنندج، سنت و الگوهای باشکوهی به نمایش در آمده و پراتیک شده است که فارغ از هرگونه مهر و نشانه قومی، مذهبی و مردسالارانه بوده است. از قیام بهمن ۵۷ فاصله زیادی نداریم. این سنتها را نسل دوره انقلاب و پس از آن همه به یاد داریم:

مبارزه برای جارو کردن همه آثار و بقایای رژیم استبدادی - سرمایه داری پهلوی، از جمله تلاش

برای خلع سلاح پادگان و مسلح شدن توده ای، عزم و اراده برای بدست گرفتن اداره شهر از طریق بنکهای محلات، کنترل مراکز اقتصادی و تشکیل شورای شهر سنندج متشکل از عناصر چپ و کمونیست منتخب مردم و تحمیل آن به سران رژیم جدید، تشکلهای صنفی معلمان و دانش آموزان شوراها را کارگری، اتحادیه کارگران صنعتگر، اول مه های با شکوه، مراسمهای گرامیداشت روز جهانی زن، دوده مقاومت توده ای و مسلحانه در مقابل تهاجم نظامی و سرکوب خونین رژیم و دفاع از آزادی و انسانیت... همه اینها آن الگو، سنتها و شیوه زندگی ای است که با اراده خود مردم ایجاد شده و با دستهای خود ساخته اند. (طالقانی در جلسه مذاکره

با مادر شهر سنندج در اوایل سال ۵۸ که رسوای کنونی رژیم اسلامی حضور داشتند گفت: ما به شورای متشکل از کمونیستها و چپها رضایت میدهیم، اسلام قوی است و از کمونیسم نمیترسد"، اما طولی نکشید که اسلام مرعوب چپ و کمونیسم، با درنده خویی کم نظیری قتل عام کمونیستها و چپها را در سراسر ایران شروع کرد و از همان آغاز لشکرکشی اش به کردستان دسته دسته دوستان ما را تیرباران کرده و بساط سرکوبش را گستراند. از محاصره پادگان سنندج برای خلع سلاح ارتش شاه (ارتشی که به خمینی لبیک گفت و برای سرکوب مردم به خدمت او در آمد) و تشکیل شورای شهر تا دو دهه مراسمهای با شکوه کارگری و زنان و تظاهراتها و مبارزات رادیکال

جوانان و تا فستیوال دفاع از حقوق کودک همین چند روز پیش، یک زنجره بهم پیوسته از سنتی هستند که شهر سنندج را به الگو و مرکز جنبشی رادیکال و آزادیخواهانه در کردستان تبدیل کرده است. سمت و سوی این جدالها پرافراشتن "منشور آزادیهای سیاسی"، "منشور حقوق زنان و کودکان" و "یک دنیای بهتر" است. مردم انتخاب خود را میکنند.

مردم مبارز سنندج! دوستان! شما شایسته آنید که سردمداران هر دو جناح رژیم، خاتمی، خامنه ای، کربوبی و رفسنجانی و اعوان و انصارشان و ادب و جلالی زاده هایشان، در مقابلتان زانو بزنند و طلب بخشش کنند. شما شایسته اید خود کودکانتان را حفاظت کنید و پرورش دهید، شایسته

آنید که جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، برابری زن و مرد، آزادی بی قید و شرط سیاسی و لغو اعدام را از جانب نمایندگان شوراها یاران در میدان آزادی شهر اعلام کنید خود آن را به اجرا در آورید.

رژیم اسلامی در حال رفتن است و ناسیونالیسم و ارتجاع زوزه میکشد و برای سنت و تفکر و شیوه زندگی سرمایه دارانه، قومی، مذهبی و مردسالار آه و ناله میکند، که شما می خواهید جامعه ای غیرقومی، غیرمذهبی، سکولار و برابر و آزاد بسازید. در شأن شما است و زنده باشید که برای آزادی و برابری آغوش گشوده اید و انتخاباتتان را میکنند.

۱۸ - بهمن ۸۱

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان رونوشت به مطبوعات آلمان

در مورد بیماری مشکوک ۷۴ دختر از روستای "بیژوی" در منطقه سردشت کردستان ایران

از مینا احدی - سازمان آزادی زن



ماجرای بیماری مشکوک و همزمان ۷۴ دختر در منطقه سردشت کردستان ایران، مدتی است که توجه ها را در ایران بخود جلب کرده است. این بیماری از حدود ۱۰ ماه پیش و بدنبال تزریق واکسن ضد سرخجه بروز کرده و گفته

میشود که این واکسنها از آلمان به ایران رفته و شایعه کهنه بودن این واکسنها و آمدن آنها از آلمان در روزنامه های ایران نیز منعکس شده اند. علائم این بیماری دردهای شدید دست و پا، ورم شدید دست، استفراغ، ریزش مو، درد کلیه و گرفتگی شدید عضلات و در نهایت از دست رفتن مقطعی قدرت تکلم این دختران بوده است. بدلیل همزمان بودن شیوع بیماری و همگانی بودن آن در یک روستا، همه مردم این منطقه بشدت نگران شیوع این بیماری ناشناس شده اند. آنها بارها به دکتر و مقامات جمهوری اسلامی مراجعه کرده و خواهان معالجات شده اند، اما پاسخ نگرفته اند. والدین این دختران از تزریق واکسن ضد سرخجه حرف میزنند که بعد از تزریق آن، این دختران به این بیماری دچار شده اند، و همین والدین مدعی هستند

که این واکسن از آلمان وارد شده بود. آنها ادعا میکنند که پزشکی که این واکسنها را تزریق کرده در همان روز به دختران خود از این واکسنها زده است. ۵ نفر از این دختران به کردستان عراق رفته و در آنجا توسط پزشکان عراقی معالجه شده و دارو گرفته اند که مدت کمی بهبودی یافته ولی متأسفانه مجدداً بیماری عود کرده است. پزشکان عراقی نیز از تزریق واکسن ضد سرخجه کهنه و تاریخ مصرف گذشته حرف زده و آنرا علت بروز این بیماری دانسته اند. این پزشکان با توجه به بررسی آمپولهای تزریق شده تایید کرده اند که این آمپولها ساخت آلمان بوده است. جمهوری اسلامی ایران این ادعا

ها را رد نکرده است. اما با وجود مقامات این حکومت از جمله مقامات وزارت بهداشت از یک هیستری عمومی حرف میزنند و بیماری را روحی و روانی قلمداد میکنند. رژیم اسلامی ایران به این دختران گفته هرکس زودتر بهبود یابد یک کامپیوتر جایزه خواهد گرفت. زیرا وانمود میکنند که این بیماری ساختگی است. از همه این ادعاهای ضد و نقیض که بگذریم، ۱۵ نفر از این دختران در تهران یک هفته تحصن کرده، و خواهان رسیدگی به وضع خود شده اند، که این تحصن بدون نتیجه و با تهدیدات رژیم خاتمه یافت. اما همه این بیماران و والدین آنها گفته اند بزودی دوباره به تهران خواهند رفت و تحصن خواهند کرد. با توجه به اینکه هم اکنون ۷۴ دختر در خطر است و جمهوری اسلامی ایران عملاً با اعلام اینکه این یک هیستری عمومی است، جلو ادامه تحقیقات و رسیدگی به بیماری را گرفته است، ما خواهان: ۱- اعزام این دختران برای معالجه به آلمان هستیم. تنها راه رسیدگی کامل و با استاندارد بالای پزشکی اینست که این

دختران به یک کشور اروپایی منتقل شده و تحت نظارت یک تیم پزشکی مجرب و مستقل مورد معالجه قرار گیرند. در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران بدون انجام تحقیقات کافی این بیماری را هیستری نامیده و عملاً مانع ادامه تحقیقات شده است، اعزام این دختران به اروپا امکان تشخیص و درمان را بسیار بیشتر میکند. ۲- با توجه به اینکه، گفته میشود این واکسنها از آلمان وارد شده، و از تاریخ مصرف آنها گذشته بود، اعزام این دختران به آلمان میتواند در روشن شدن ماجرا کاملاً مفید واقع شود. ۳- ما از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و مردم آلمان میخواهیم که برای جلوگیری از یک فاجعه انسانی، با ما همصدا شوند. تلاش کنیم که جان این دختران نوجوان که همگی سنشان ۱۲ تا ۱۷ سال است را از این مهلکه نجات دهیم. تاریخ ۵ فوریه ۲۰۰۳
تلفن: ۰۰۴۹ ۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
minaahadi@aol.com

به مناسبت نزدیک شدن روز جهانی زن

خطاب به فعالین جنبش برابری زن و مرد در کردستان



محمد آسگران

حال و هوای دیگری به جامعه بدهند. گرامیداشت روز جهانی زن در کردستان با ارسال کارت تبریک، پخش شیرینی، سخنرانیهای پرشور در دفاع از حق برابری زن و مرد، پرت کردن حجاب و در مواردی سوزاندن حجاب، شکستن دیوار جداسازیهای جنسی و دهها ابتکار دیگر همراه بوده است. حجاب سوزان و زیر پا انداختن حجاب برای اولین بار در یکی دوسال اخیر در شهرهای کردستان و تعدادی دیگر از شهرهای ایران اخبارش به دنیا مخابره شد. و مردم خارج از ایران متوجه شدند که زنان ایران تا چه حد از این سمبل بردگی متنفر هستند. همه این ابتکارات و تجمعات در

تعادل قوای دیگری اتفاق افتاده است که قابل مقایسه با شرایط امروز و توازن قوای کنونی نیست. اکنون دیگر همه سران رژیم هم به این قناعت رسیده اند که نمیتوانند مثل سالهای قبل با مردم مقابله کنند. حاکمان رژیم اسلامی متوجه یک جنبش وسیع و خروشان علیه خود هستند. تحت فشار این جنبش عقب نشینی حساب شده ای کرده اند و این یک پیشروی برای جنبشهای برابری طلب است. تعادل قوا مناسبتر از هر زمانی به نفع مردم تغییر کرده است تا بتوانند اعتراضاتشان را وسعت ببخشند. روز جهانی زن یکی از آن فرصتهایی است که فعالین کمونیست و فعالین برابری حقوق زن و مرد میتوانند و باید با آمادگی کامل به استقبال آن بروند. این روز نه روز "فاطمه" خلفا و امامان اسلام و نه روز ملکه و ملکه مادرهای دربار شاهان

است، این روز متعلق به جنبش کمونیسم کارگری است. تاریخ و مناسبت آن از اعتراضات زنان مبارز و کارگر و برابری طلب شروع شده است. به یمن حضور و نفوذ اجتماعی کمونیسم در جامعه کردستان این روز هر ساله نمایش قدرت این جنبش بوده است. جریانات اسلامی، ناسیونالیستها و بورژواها همیشه تلاش کرده اند که این روز را بدون خطر پشت سر بگذارند. اما کمونیستها و مدافعان آزادی و برابری برای برگزاری مراسمهای هر چه وسیعتر تلاش کرده اند که این روز را به روز نمایش قدرت جنبش خود علیه حاکمان و جریانات ناسیونالیست تبدیل کنند. از هم اکنون باید فضای سیاسی شهر را آماده کرد که در این روز در ابعادی وسیع به خیابانها بریزند. اگر چه جشن و مراسمهای کوچک در جمعها و محافل باید همچنان بر پا شود ولی لازم است در این شرایط

زنده باد ۸ مارس
روز جهانی زن
نابود باد آپارتاید جنسی
۱۳ فوریه ۲۰۰۳
